

کتاب «بارگاه جان و خرد» نگارش سیروس وقایع‌نگار، اثری است در حوزه مطالعاتی چهار تمدن کهن، شامل چین، هند، ایران و روم. در پشت جلد کتاب، درباره این چهار تمدن چنین آمده: «تمدن‌هایی که جان‌مایه‌شان در هزاره اول پیش از میلاد به بار نشسته و دست‌مایه تحولات درونی و بیرونی این تمدن‌ها تا امروز شده‌اند و میراث فرهنگی و تمدن انسانی را چنان معنایی ژرف بخشیده که همچون بارگاهی شکوهمند بر ستون‌های جان و خرد استوار شده است».

نوشتر بالا این ذهنیت و انتظار را برای مخاطب به وجود می‌آورد که نویسنده بر آن است تا با طرح ژرف‌ترین پرسش‌ها، پاسخ‌هایی شایسته برای آنها ارائه دهد؛ پرسش‌هایی که پاسخ به آنها می‌تواند راهگشای فهم مضامین کتاب باشند. پرسش‌هایی از این دست: تمدن چیست؟ یا از جان و خرد و بارگاه چه تعاریفی ارائه شده است.

می‌دانیم که تنوع و کثرت تعاریف گاه متعارض از این مفاهیم، به گونه‌ای است که ایجاد می‌کند با تعاریف خاص مؤلف از این مفاهیم آشنا شویم؛ اگر چه درک این مفاهیم در خلال مطالعه دقیق کتاب به‌تدریج برای خواننده آشکار می‌شود اما شاید بیان موجز آنها در شروع کتاب، مخاطب را با آگاهی بیشتری در مسیر ذهنیت و نگرش نویسنده قرار می‌داد. مثلاً درباره خرد یا عقل، به نظر می‌رسد که خرد مورد نظر نویسنده، خردی است که در شعر فردوسی تعریف شده و به معنای روشنایی‌بخش جان است:

خرد، چشم جان است
چون بگری/ که بی چشم شادان، جهان نسپری

خردی ورای زمان و مکان، خردی که در هستی جاری است. چنین خردی، مشابه خردی است که هگل در کتابش «عقل در تاریخ» و بر بنیان آن، به روند تطور و فرگشت آن در تاریخ بشری پرداخته است.

در فلسفه تاریخ به روایت هگل: «جهان، ساخته و پرداخته و میدان کنش و کوشش روح است. کوشش روح برای ساختن جهان و به سخن دیگر برای تحقق خویش در جهان درون‌های خردمندانه دارد و با داده‌ها یا قانون‌های علمی تحقق می‌یابد».

هگل در ادامه: «حقیقت فرمانروایی خرد برجهان را، چیزی قانون‌های علمی می‌داند».

چنین خردی که روشنفایی‌بخش جان است ورای خرد یا عقل انسانی است. عقلی که تنها انسان را در مقام شناسایی قوانین جاری بر طبیعت می‌شناسد، یعنی عقل مدرن، عقل چیره بر اروپای پس از نوزایی (رنسانس)، عقلی که حتی اگر به روایت کانت، امکان شناسایی مطلق را نداشته باشد اما امکان رشد علوم جدید را فراهم آورده است.

باری، کتاب باوجود فشردگی مطالب و دایره‌المعارفی‌بودن، می‌تواند برای مخاطبی که دغدغه شناخت تاریخ اندیشه بشری را دارد، ترغیب‌کننده و برانگیزاننده باشد تا تفصیل مطالبی را که به ایجاز گفته می‌شود، در اجزای به منابع پژوهشی و تحلیلی دیگر، پیگیری کند اما مهم‌تر آن است که نخست شناختی از رویه دید مؤلف مهسو شود و از منظر او به بررسی و سنجش کتاب بپردازد. نه از منظری که با دیدگاه مؤلف زاویه دارد؛ پس آنگاه می‌تواند بنیان این دیدگاه را به پرسش گیرد و آن را به چالش کشاند.

همان‌طور که گفته شد، دیدگاه مؤلف از جنس فلسفه تاریخ است، معنا و مفهومی که هگل، آن را در یک جمله، این‌گونه روایت کرده است: «فلسفه تاریخ چیزی نیست جز بررسی اندیشه‌گرانه تاریخ». مؤلف کتاب نیز به چنین راهی می‌رود، یعنی کشف منطق و خرد را در چهار تمدن کهن بر مبنای چنین نگرشی وجهه همت خود قرار داده است؛ یعنی بررسی روند تحولات و فرگشت چهار تمدن کهن مورد نظر خویش. این روش دربرگیرنده دو لایه بیرونی و درونی رخدادهاست؛ «تاریخ و فراتاریخ» و این دریافت از تاریخ و فراتاریخ امکان‌پذیر نمی‌شود مگر به تعادل میان این دو، به هماهنگی عین و ذهن. چنان‌که می‌نویسد: «در تعادل بین این دو فضاست که آزادی حادث می‌شود و انسان مخیر می‌شود از جهان ذهنی، به جهان عینی حرکت کند و آزادی اراده تجلی یابد».

با این مقدمات و در چنین بستری، منطق فکری نویسنده را در جست‌وجوی کشف حقیقت پی می‌گیریم، منطقی که در عین توجه به محتوا و مضمون رویدادها، ریشه آن رخدادها را در فراتاریخ می‌بیند و فرا تاریخ یعنی همان خرد روشنایی‌بخش جان، یا خردی بی‌زمان و مکانی که محیط بر رخدادهای بیرونی است و منطق آن به شمار می‌رود و به آن معنا می‌بخشد.

رسیدن به چنین بینش و تفکری، بدون جهان‌بینی و نظریه امکان‌پذیر نیست و راه به بیراهه می‌برد. بر مبنای چنین جهان‌بینی‌ای است که نویسنده همه چیز را به کمک درون خویش می‌سنجد. اما این راه به معنای آن نیست که از نگاهی ایدئولوژیک دارد. برعکس تفکر مؤلف، در عین اعتقاد به اصول خود، با انعطاف و مدارا در مسائل و امور دیگر تامل می‌کند. در بخش دیباچه، دکتر رضا کوهکن، در معرفی کتاب، به‌درستی اشاره می‌کند که «این اثر تجربه زیسته مؤلف است، بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که ما با نوشته‌ای آکادمیک مواجه باشیم». و این نه عیب که حسن کار است. گویی نویسنده پاره‌هایی از وجود و حیات خویشتر را دستمایه کارش قرار داده است.

حادثه تلخ ازدست‌دادن فرزند خردسال نویسنده، رنجی جانکه به همراه داشت اما پس از وقفه‌ای کوتاه و تامل در معنای زندگی راه تازه‌ای برایش گشوده شد؛ راه سلوک در طریقت؛ طریقتی که درکی از هماهنگی جهان فیزیکی و جهان ماوراءالطبیعه را برایش آشکار ساخت. پیامدهای این یگانگی با هستی، در دو بخش «پیش‌رآمد» و «زندگی‌نگاری» گفته شده است؛ اینکه چه دستاوردهای نیکویی به بار آورده و درنهایت، او را در چرخه فعالیت‌های ذهنی و ماورایی قرار داده است. شاید این جمله «اسپینوزا» فیلسوف هلندی که مؤلف، کتاب «اخلاق» او را در بیست‌سالگی خوانده

است، واقعیتی دیگر را برایش مکشوف ساخت و او را به تامل واداشت: «هر اتفاقی بدون استثنا، قوانین و نظم طبیعت را دنبال می‌کند».

پرداخت به بخش‌های مختلف کتاب در مجال اندک این نوشتار نیست. در اینجا فقط اشاره‌ای گذرا به چند فصل از فصول ۱۲گانه کتاب می‌کنم که به نظر در فهم و درک روند اندیشه‌های مطرح‌شده در کتاب اهمیت بسزایی دارند.

فصل سوم با عنوان «مفهوم انتزاعی و دوره‌های شکار، یکجانشینی، نوشتاری و پیش‌تاریخی» به باور من، کلیدی‌ترین بخش کتاب است. مؤلف در این فصل درک مفهوم انتزاعی را برای شناخت پدیده‌ها و رویدادها، ضروری می‌داند و با مثال میزی که مشخصه‌هایش از شکل، جنس، رنگ و اندازه تشکیل شده است، شناخت میز را برای مخاطب متصور می‌کند. آن‌گاه توانایی درک انتزاع از سوی انسان را تا عصر غارنشینی پی می‌گیرد. انسانی که بر دیواره غار حیوانی را به تصویر می‌کشد تا جانش را بستاند. پیشرفت این انسان از غارنشینی تا مراحل بعدی یعنی دوران شکار، یکجانشینی، کشاورزی، دامپروری خط نوشتاری، پیش‌تاریخی و تاریخی همه و همه با استفاده از فرایند انتزاع به وقوع می‌پیوندد و نتیجه‌ای پی می‌گیرد، این است که اندیشه‌های انتزاعی و مجرد به تعبیری، وابسته به زمان و مکان نیستند؛ بلکه فراتاریخی‌اند و با توجه به قدرت‌شان در همه ادوار حضور دارند. نویسنده البته نحوه تغییر زندگی انسان را فقط به درک فرایند انتزاع نسبت نمی‌دهد؛ بلکه وقایعی مانند تغییرات اقلیمی، افزایش جمعیت، نیاز به غذا، مراوده و… را از دیگر عوامل مداوم حیات انسانی بر روی زمین می‌داند.

فصل چهارم، پیوستار فصل سوم است که نویسنده با شرحی از درک و شناخت مجردات و صفات و مفاهیم انتزاعی که منجر به تکوین و پیدایش علوم مختلف از ساحت فلسفه یا فراحسی می‌شود و نیز با تعریفی که از علم ارائه می‌کند، مبنی بر این است که قابل تغییر است و حقیقت مطلق نیست. درک هر رویداد را موکول می‌کند به فهم ابعاد مختلف شناخت: شناخت حسی، شناخت عقلی و شناخت فراحسی. آن‌گاه براساس این مجموعه شناختی به تعریف مفهوم مدیریت که در آن هماهنگی و تعادل میان این سه وجه شناخت برقرار شده، می‌پردازد و در ادامه مدیریت را در همه وجوه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اداری، حکومتی، نظامی، تجاری و ارتباطی در چهار تمدن باستانی و در دوره تاریخی (حدود ۶۰۰ پیش از میلاد به بعد) به تفصیل بررسی و تحلیل می‌کند. مدیریت برخاسته از نمود هماهنگی نظر و عمل در چهار حوزه سیاسی متفاوت از نظر جغرافیایی، تاریخی، اندیشگی و ارتباطی و…:

۱- در ایران، بر پایه اندیشه مدیریت حکومتی که امپراتوری هخامنشی بر آن تکیه داشت.

۲- در یونان، بر پایه فلسفه و علم و اندیشه پارلمانی

شرق: «چه می‌دانیم و چه می‌توانیم؟» پرسشی است که به قول شاپور اعتماد، کتاب «بارگاه جان و خرد» نوشته سیروس وقایع‌نگار بنا دارد، پاسخی برای آن فراهم کند. چندی پیش نشستی برای رونمایی از این کتاب با حضور شاپور اعتماد، رضا کوهکن، حبیب‌الله عباسی، ندا مشیریان، مدیرمسئول انتشارات ندای سینا و جمعی از علاقه‌مندان در سال استادن امیرخانی خانه هنرمندان برگزار شد. به گزارش ایننا، شاپور اعتماد در این نشست گفت: «این کتاب یک روش زبانی- خطی را دنبال می‌کند ولی نگرش تاریخی که ارائه می‌دهد، این انتظار را ایجاد می‌کند که برای دوره‌بندی، ملک با ملاک‌هایی به خواننده معرفی شود».

شاپور اعتماد پژوهشگر حوزه فلسفه و عضو گروه مطالعات علم مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، این کتاب را از منظر موضوعی اثری بدیع و دارای خصوصیت استثنائی توصیف کرد که با جوهر خاصی به نگارش درآمده و فوق‌العاده عاطفی است. او دراین‌باره افزود: در یک فضاضت کلان، این کتاب اثری خواهد بگوید معرفت ما چقدر است و قدرت ما چقدر؟

او ادامه داد: از نظر ساختاری، این کتاب حالت دانه‌والمعارف‌گونه فلسفی دارد که آرا، اندیشه‌ها و مکاتب مختلف در طول حیات بشر را از نظر معرفتی و در یک انتخاب سنجیده بررسی کرده و به چهار حوزه تمدنی کهن شامل چین، هند، ایران و روم پرداخته است. فصل‌های کتاب اطلاعات، بسیار وسیعی را فشرده، مختصر و مفید از تاریخ اندیشه ارائه می‌دهد و از این حیث کار ارزشمند است. نویسنده در پی آن است که با ارائه این مطالب و نیز تحلیل‌های خود از رخدادها، خط نامرئی بین رویدادها در سراسر جهان با مراحل تطور اندیشه را نشان دهد. چه‌بسا رخدادهای تاریخی موردآشاره او، جنگ و خونریزی و کشتار یا تلفات ناشی از امراض مسری را نشان دهد اما به تعبیر او در «ایده‌های زرین» سازوکاری در شرف تکوین است که باعث می‌شود روند تطور اندیشه و در نتیجه دستمایه حوزه‌های تمدنی بشریت معدوم نشود؛ حتی اگر در ظاهر چنین به نظر نرسد.

سیروس وقایع‌نگار، مؤلف کتاب با اشاره با مطالعات

طولانی مدت خود در تاریخ اندیشه در جهان، انگیزه و

دغدغه اولیه خود از تألیف این کتاب را بی‌مهری جامعه نسبت به اندیشه و خرد در جامعه و کارهای نابخردانه‌ای دانست که به علت وجودنداشتن عنصر عقل، صورت می‌گیرد و افزود: این خردستیزی را در رفت‌وآمدهای

کتاب

تأملی بر کتاب «بارگاه جان و خرد» تألیف سیروس وقایع‌نگار

تاریخ و فراتاریخ چهار تمدن

کیوان کیانی ـ مستندساز و پژوهشگر



که در تطور خود، به امپراتوری اسکندر و آن‌گاه در تعمیم چنین تفکری به امپراتوری رم منجر می‌شود. ۳- در چین، بر پایه اندیشه‌های سیاسی کنفوسیوس و تعالیم عرفانی لائوتسه که بر امپراتوری دودمان هان تأثیرگذار بود.

۴- در هند، بر پایه آزاداندیشی و سلوک که خاستگاهش متون کهنی مانند وداه، اوپانیشاد، بهکود گیتا، حکمت بودیسم و… بود.

مؤلف در پایان این فصل (فصل چهارم) نتیجه‌گیری می‌کند که اندیشه‌های پدیدآمده در دوره تاریخی، نه‌فقط نیت‌بازشناسی هستی را داشتند؛ بلکه پایه اندیشه‌های بعدی شدند و بر یکدیگر تأثیر گذاشتند.

در فصل هفتم کتاب با عنوان «نوزایی در غرب آسیا (شرق اسلام)» چند چهره برجسته قرن چهارم تا نیمه هفتم هجری قمری، بررسی و ارزیابی می‌شوند؛ از جمله:

فردوسی و… در هند، بر پایه آزاداندیشی و سلوک که خاستگاهش متون کهنی مانند وداه، اوپانیشاد، بهکود گیتا، حکمت بودیسم و… بود. مؤلف در پایان این فصل (فصل چهارم) نتیجه‌گیری می‌کند که اندیشه‌های پدیدآمده در دوره تاریخی، نه‌فقط نیت‌بازشناسی هستی را داشتند؛ بلکه پایه اندیشه‌های بعدی شدند و بر یکدیگر تأثیر گذاشتند.

در این بخش، نویسنده به بررسی و تحلیل می‌کند. مدیریت برخاسته از نمود هماهنگی نظر و عمل در چهار حوزه سیاسی متفاوت از نظر جغرافیایی، تاریخی، اندیشگی و ارتباطی و…:

۱- در ایران، بر پایه اندیشه مدیریت حکومتی که امپراتوری هخامنشی بر آن تکیه داشت.

۲- در یونان، بر پایه فلسفه و علم و اندیشه پارلمانی

شرق: «چه می‌دانیم و چه می‌توانیم؟» پرسشی است که به قول شاپور اعتماد، کتاب «بارگاه جان و خرد» نوشته سیروس وقایع‌نگار بنا دارد، پاسخی برای آن فراهم کند. چندی پیش نشستی برای رونمایی از این کتاب با حضور شاپور اعتماد، رضا کوهکن، حبیب‌الله عباسی، ندا مشیریان، مدیرمسئول انتشارات ندای سینا و جمعی از علاقه‌مندان در سال استادن امیرخانی خانه هنرمندان برگزار شد. به گزارش ایننا، شاپور اعتماد در این نشست گفت: «این کتاب یک روش زبانی- خطی را دنبال می‌کند ولی نگرش تاریخی که ارائه می‌دهد، این انتظار را ایجاد می‌کند که برای دوره‌بندی، ملک با ملاک‌هایی به خواننده معرفی شود».

شاپور اعتماد پژوهشگر حوزه فلسفه و عضو گروه مطالعات علم مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، این کتاب را از منظر موضوعی اثری بدیع و دارای خصوصیت استثنائی توصیف کرد که با جوهر خاصی به نگارش درآمده و فوق‌العاده عاطفی است. او دراین‌باره افزود: در یک فضاضت کلان، این کتاب اثری خواهد بگوید معرفت ما چقدر است و قدرت ما چقدر؟

او ادامه داد: از نظر ساختاری، این کتاب حالت دانه‌والمعارف‌گونه فلسفی دارد که آرا، اندیشه‌ها و مکاتب مختلف در طول حیات بشر را از نظر معرفتی و در یک انتخاب سنجیده بررسی کرده و به چهار حوزه تمدنی کهن شامل چین، هند، ایران و روم پرداخته است. فصل‌های کتاب اطلاعات، بسیار وسیعی را فشرده، مختصر و مفید از تاریخ اندیشه ارائه می‌دهد و از این حیث کار ارزشمند است. نویسنده در پی آن است که با ارائه این مطالب و نیز تحلیل‌های خود از رخدادها، خط نامرئی بین رویدادها در سراسر جهان با مراحل تطور اندشه را نشان دهد. چه‌بسا رخدادهای تاریخی موردآشاره او، جنگ و خونریزی و کشتار یا تلفات ناشی از امراض مسری را نشان دهد اما به تعبیر او در «ایده‌های زرین» سازوکاری در شرف تکوین است که باعث می‌شود روند تطور اندیشه و در نتیجه دستمایه حوزه‌های تمدنی بشریت معدوم نشود؛ حتی اگر در ظاهر چنین به نظر نرسد.

سیروس وقایع‌نگار، مؤلف کتاب با اشاره با مطالعات طولانی مدت خود در تاریخ اندیشه در جهان، انگیزه و دغدغه اولیه خود از تألیف این کتاب را بی‌مهری جامعه نسبت به اندیشه و خرد در جامعه و کارهای نابخردانه‌ای دانست که به علت وجودنداشتن عنصر عقل، صورت می‌گیرد و افزود: این خردستیزی را در رفت‌وآمدهای



نظر دارند. اشاره به روندی است که در اروپای پس از عصر نوزایی، خاصه از قرن ۱۷ به بعد و در لایه‌های ذهنیتی متفاوت از ذهنیت نوزایی تداوم پیدا کرد. مؤلف در فصل یازدهم (نوزایی در اروپا، انسان‌گرایی و دوران استعمار)، به تغییر نگرش تدریجی مردم آن روزگار (قرن ۱۴ به بعد) اشاره می‌کند. تغییر نگرشی که با تحولات علمی، اکتشافات دریایی و نوآوری در دیگر زمینه‌ها، به واکنشی تند در برابر اندیشه‌های قرون وسطایی انجامید.

این واکنش، عدم تعادل میان جهان عینی و ذهنی را به‌ویژه در تفکر حاکم بر کلیسای کاتولیک رومی و بی‌اخلاقی‌های آن، به پرسش گرفت. واکنشی که شکوفایی علم و فلسفه را به دنبال داشت. در فلسفه به‌ویژه اندیشه‌های خردگرایانه و تجربه‌گرایانه بالیدن گرفت و در ادامه با نهضت روشنگری در قرون ۱۸ و ۱۹ به اوج خود رسید.

ویژگی مهم این نحل‌های فکری، این بود که طبیعت را فاقد شعور می‌دانستند و تنها عقل انسانی را عامل شناسایی هستی می‌شناختند؛ اما در این میان، جریان فکری دیگری، آهنگی متفاوت ساز کرد. آهنگی که بر تعادل و هارمونی میان جهان عیس و ذهن، یا حس و فراحس تأکید داشت. شاخص‌ترین چهره‌های این جریان اندیشگی، اسپینوزا در قرن هفدهم، هگل در قرن نوزدهم و هایدگر در قرن بیستم هستند.

نگرش این سه متفکر، واکنشی در برابر خردگرایان، تجربه‌گرایان و روشننگری نبود، بلکه بر پاسخی تأویل‌گرایانه استوار بود. شعور و روحی، محیط بر رویدادهای عینی و تنیده با آن که هستی بر مدار این تنیدگی می‌چرخد.

هگل، در عقل در تاریخ، این معنا را در فضایی تاریخی و فراتاریخی گسترش می‌دهد و در نهایت، هایدگر این شعور هستی را «دازاین» می‌نامد. ترکیبی از دو جزء «دا» (Da) هم به معنای اینجا و هم به معنای آنجا و «زاین» (Zein)، به معنای وجود. منظور هایدگر از دازاین این است که آدمی موجودی است که نه آنجا و صرفا روحانی و نه اینجا و صرفا نفسانی است، بلکه موجودی است در کشاکش این دو وضع» (تلفیق اول از کتاب زبان خانه وجود، پانویس ص ۲۳).

■ ■ ■

بیان نکته‌ای را پیش از جمع‌بندی کتاب، ضروری می‌دانم، اینکه در جهان‌بینی ایرانی، عنصر زبان، نقشی کلیدی در انتقال مفاهیم دریاب داشته است. زبانی که قادر است مفاهیم پیچیده را در بیانی شاعرانه روایت کند. مؤلف در کتابش در جایی اشاره کرده مفاهیمی را که دکارت، اسپینوزا، کانت، هگل، هایدگر و دیگران در متونی پیچیده و فنی بازگو کرده‌اند، در حکمت ایرانی کسانی نظیر حافظ، مولانا، سعدی، سهروردی، خیام، عطار و دیگران در نوشته‌های منظوم و منثور خود با چاشنی و بار شاعرانه‌ای که برخاسته از تلفیق عقل و شهود و عرفان است، روایت کرده‌اند. روایتی که مخاطب حتی اگر معانی درونی آن را درنیابد بسیار دل‌نشین و تأثیرگذار بوده و از وجه زیبایی‌شناسانه نیرومند برخوردار است.

این تراش الماس‌گونه هنر و فرهنگ ایرانی، نه‌تنها در شعر و نثر که در مینیاتور، موسیقی، معماری، خوش‌نویسی و… متبلور است. این روح شاعرانه همان تعادل و هماهنگی است که در هستی جاری و در فرهنگ ایرانی متجلی است. آری، فرهنگ ایرانی از ذهنیتی شاعرانه برای اندیشه‌ورزی بهره می‌گیرد. گر به زنهگه ارواح بُرد بوی تو باد/ عقل و جان گوهر هستی به نثار افشاندند

فصل پایانی کتاب جمع‌بندی نویسنده است و روایت او که چرا روند اندیشگی در جهان را تا نیمه اول قرن بیستم پیش برده، اما ادامه نداده است.

او بر این باور است که اندیشه‌های بالنده که دیدگاهی تازه را ارائه دهد، پس از آن پدیده نیامده و جهان فکری همچنان آشخور اندیشه‌هایی است که در نیمه اول قرن بیستم و پیش از آن به وجود آمده‌اند.

■ ■ ■

کتاب بارگاه جان و خرد در میان معدود کتاب‌هایی که درباره اندیشه بشری به فارسی نوشته شده (اگر نوشته شده باشد) از وضعیتی استثنائی برخوردار است؛ از این قرار که رویکرد مؤلف رویکردی پدیدارشناسانه است که او از آن با تعبیر کشف‌المحجوب و تأویل نام می‌برد.

به بیانی دیگر مؤلف کلیات تاریخ بشری را از عصر غارنشینی تا امروز، از زاویه‌ای به نگارش درآورده که بیش از آنکه استدلالی باشد، نگاهی باطنی و تأویل‌گرایانه به پدیده‌ها دارد. نگاه و بینشی که محیط بر رویدادها و وقایع تاریخی است و بر اندیشه‌های فلسفی و عرفانی استوار است. مؤلف ساحت اندیشه‌های فلسفی و ابعداد مختلف آن و ملاحظه شباهت‌ها و تفاوت‌های چهار بارگاه اندیشه (هند، ایران، روم و چین) است.

نیز به اندیشیدن و نوشتن داریم. هژمونی و غالب‌شدن کتاب‌های ترجمه در ساحت اندیشه در کشور ما، یک عیب است. رضا کوهکن، پژوهشگر رشته علوم دینی و نظام‌های فکری و عضو هیئت‌علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران نیز با اشاره به لزوم نقد و بررسی یک اثر برای آشکار شدن زوایای مختلف آن، نگاه نقادانه در این حوزه را موجب پیشرفت می‌داندست. کوهکن بحث موضوعی این کتاب را که در جای‌جای آن تحلیل و استدلال، به گونه‌های مختلف وجود دارد، حیظه خطیری دانست که مستلزم مطالعه کل تاریخ بشر و اببعاد مختلف آن و ملاحظه شباهت‌ها و تفاوت‌های چهار بارگاه اندیشه (هند، ایران، روم و چین) است.

در درانداختن طرحی که طول تاریخ اندیشگی بشر را در برگیرد و تقاض عطف آن را نمایان کند (به‌عنوان نمونه با در نظر گرفتن چهار «بارگاه» برای آن و اصل و اساس را در وحدت «خرد و جان» نهادن)، چنان کار دشواری است که به‌سختی بتوان آن را منسجم و باصلایت پیش برد.

این محقق نکته قابل‌توجه در این کتاب را عدم ار جاع نویسنده به دیدگاه‌های رایج تاریخ‌نگاری و فقدان پایه‌های تاریخ‌نگاری به‌صورت صریح دانست. کوهکن با اشاره به دست‌بندی چهار دیدگاه توسط مؤلف کتاب، نگاه نویسنده را نگاهی پیوسته و تاریخی به موضوع توصیف کرد که مطابق آن، تمدن‌ها از بین نرفته‌اند و بسته به شرایط تاریخی و محلی، در قالب‌های دیگر به حیات خود ادامه داده‌اند؛ یعنی محتوا حفظ شده و قالب دیگری به خود گرفته است و بر این اساس، تمدن ایرانی، ادامه حیات خود را در قالب تمدن اسلامی پی گرفته است. همچنین، معتقد به تبادُل تمدن‌ها هستند و تمدن رومی، مدیون تمدن‌های ایران و چین است.